



## نقدی بر اثر مارتین ویت فوت به نام تاج گذاری با رویکرد نشانه شناسی

## پگاه کمالی

## چکیده

1

**بیان مسئله:** با توجه به کاربرد فزاینده ی تصاویر در جهان امروز، مواجهه با انبوهی از تصاویر، در شاخه های مختلف، که به هدف انتقال پیامی خاص، مورد استفاده قرار می گیرند، امری اجتناب ناپذیر است. علاوه بر این، ارتقا سواد بصری مخاطب، همواره از دلمشغولی های بسیاری از افراد متخصص در حوزه های مرتبط با هنرهای بصری بوده است. نشانه شناسی که در حوزه های گسترده ای از جمله هنرهای تجسمی به کار گرفته می شود، به بررسی نشانه های تصویری می پردازد و شناخت پیدا کردن از این علم، منجر به سهولت درک و دریافت معنای این آثار تجسمی می گردد. تاج گذاری اثری سمبولیک است که به دست مارتین ویت فوت خلق شده و به منظور آشکارسازی معانی نهفته در آن، به دانش نشانه شناسی لایه ای نیاز است. این پژوهش، با رویکرد پیرسی، به نشانه شناسی لایه ای آن پرداخته می شود.

**هدف پژوهش:** هدف این پژوهش، تحلیل نشانه شناسانه ی اثری به نام تاج گذاری می باشد که اهداف فرعی ای چون بررسی لایه های مختلف نشانه ای اثر، تبیین نشانه ها و مباحثی درباره ی خوانش بینامتنی را در بر می گیرد.

**روش پژوهش:** این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی، تحلیلی می باشد. شیوه ی گردآوری اطلاعات در این پژوهش، بر مبنای مصاحبه های صورت گرفته با خالق اثر و همچنین از طریق منابع کتابخانه ای و الکترونیکی صورت گرفته است. **نتیجه گیری:** در تحلیل اثر تاج گذاری با رویکرد نشانه شناسی لایه ای، چنین استنباط شد که این اثر بازتابی از جامعه انسانی را نمایش می دهد که با بهره گیری از ایمان کورکورانه و تأثیرات مخرب رسانه ها، به سمت ویرانی هدایت می شود. هنرمند بینشی عمیق به مخاطب ارائه می دهد و او را به تأملی ژرف درباره جهان و نقش انسان ها در آن فرا می خواند.

**واژگان کلیدی:** تصویرسازی، نشانه شناسی لایه ای، نشانه، بینامتنیت.



## مقدمه

برخی از آثار خلق شده در شاخه ی هنرهای تجسمی دارای وجوه معنایی پنهانی هستند که برای دریافت صریح و آشکارسازی مفهوم مورد نظر این آثار، نیاز به تحلیل مبتنی بر رویکرد نشانه شناسی است. مارتین ویت فوت<sup>۱</sup> یکی از تصویرگرانی است که در عمده آثار خویش از بیانی رمزآلود و نمادین بهره گرفته است. این آثار که غالباً با تکنیک رنگ روغن کار شده اند، دارای سبک و سیاقی سمبولیک هستند و همچنین کاربرد رنگ های بی فام و خاکی در آن ها غالب است. همواره سایه ای از خرابی و ویرانی انسان به شکلی نمادین، در آثار ویت فوت مشهود است. ویت فوت، بار معنایی آثارش را در پس نمادهایی حیوانی، عناصری مانند آتش و دود و ساختمان های ویرانه که مخاطب را به کشف و کنکاش در آن ها و می دارد، پنهان می کند و از آن رو که آثارش قابلیت خوانش معانی پنهان را دارند، حائز اهمیت هستند. درخوانش این متون تصویری، به منظور تحلیل صریح، می توان از روش ها و رویکردهای مختلف نشانه شناسی بهره گرفت. یکی از مهم ترین نظریه پردازان، که برای تحلیل متون بصری و تجسمی از نظریه اش بهره گرفته شده، چارلز سندرس پیرس<sup>۲</sup> می باشد. وی از بنیانگذاران نشانه شناسی است که بسیاری نظریه های جدید بر اساس نظریه وی شکل گرفته است. در این پژوهش هدف این است که تحلیل نشانه شناختی اثر تاج گذاری<sup>۳</sup> از مارتین ویت فوت، با بهره گیری از نظریه ی پیرس صورت گیرد. همچنین از آن جایی که این اثر به یک نقاشی مربوط به گذشته ارجاع دارد، برای تحلیل بینامتنی آن، به نظریه ی بینامتنیت<sup>۴</sup> رولان بارت<sup>۵</sup> نیز پرداخته می شود. در پروسه ی انجام این مقاله، به پاسخ سئوالاتی چون لایه های مختلف نشانه شناسی تصویری در اثر تاج گذاری کدام اند؟ طبقه بندی نشانه ای این اثر چگونه صورت می گیرد؟ خوانش بینامتنی این اثر چگونه صورت می پذیرد؟، پرداخته می شود.

## پیشینه پژوهش

بر اساس تحقیقات صورت گرفته در رابطه با خوانش نشانه شناختی آثار مارتین ویت فوت، پژوهشی یافت نشد. برخی از منابع الکترونیکی و سایت ها، اشاراتی به تحلیل برخی از آثار ویت فوت داشته اند اما هیچ گونه پژوهشی که مشخصاً به تحلیل نشانه شناختی آثار مارتین ویت فوت بپردازد، مشاهده نشد. اگر چه پژوهش هایی درباره ی تحلیل تصاویر و یا آثار تجسمی با رویکرد نشانه شناسی صورت گرفته است. فتانه محمودی (1386) در مقاله اش با عنوان «از متن تا تصویر: زیبایی شناسی نشانه های تصویری با رویکردی به گرینیکا» که به تحلیل زیبایی شناختی، رمزگان ها، دلالت های ضمنی و استعاره های بلاغی در اثر گرینیکا از پیکاسو پرداخته است. چابک سوار، منصوره؛ فرخ فر، فرزانه؛ حسینی، سید هاشم (1399) در مقاله ی «تحلیل نشانه شناختی نقاشی های واحد خاکدان بر اساس آرای پساساختارگرایان رولان بارت» با رویکرد نشانه شناسی بارتی به تحلیل آثار خاکدان پرداخته اند. کفشچیان مقدم، اصغر؛ جعفرزاده، مریم؛ پورقاسم، فهیمه (1399) در مقاله ی «تحلیل نشانه شناختی پرتره های زن در آثار علی اصغر معصومی بر اساس نظریه رمزگان ده گانه تصویری امبرتو اکو» به بررسی برخی آثار معصومی بر مبنای نظریه اکو پرداخته اند.

## روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی، تحلیلی می باشد. شیوه ی گردآوری اطلاعات در این پژوهش، بر مبنای مصاحبه های صورت گرفته با خالق اثر و همچنین از طریق منابع کتابخانه ای و الکترونیکی صورت گرفته است.

## ادبیات نظری

### تعریف تصویر

در نشانه شناسی، تصاویر به عنوان نمایندگان بصری تعریف می شوند که معانی، مفاهیم یا اشیاء را تداعی می کنند یا به آن ها اشاره دارند. تصاویر، گستره‌ای وسیع از اشکال بصری، از جمله عکس‌ها، نقاشی‌ها، طرح‌ها، نمادها و موارد دیگر را شامل می شوند. آن ها اغلب به عنوان نشانه عمل می کنند و از طریق ویژگی‌های بصری‌شان مانند شکل، رنگ، ترکیب و متن، معانی را انتقال می دهند. از تصاویر، به عنوان ابزارهایی قدرتمند، برای انتقال ایده‌ها، احساسات و اطلاعات پیچیده، در فرهنگ‌ها و متون مختلف استفاده می شود. طبق تعریف جیمز گیسون<sup>۶</sup> «نشانه‌ی تصویری عبارت است از خطوط و علائمی که بر سطحی دو بعدی، نقش بسته و می توان آن را فرامود صحنه‌هایی از جهان متعارفی که به ادراک ما درآمده، محسوب داشت. (ضیمران، ۱۳۸۳، ۱۸۸). «تصویر چیزی ثانوی است که انعکاس یا بازنمای حقیقت یا واقعیت دیگری است.» (پهلوان، 1385، 11)

### نشانه شناسی

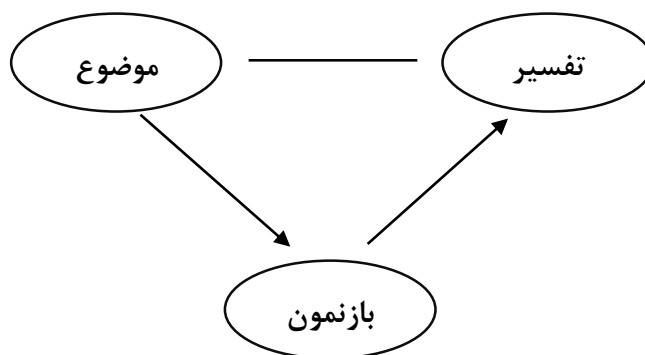
علم نشانه شناسی توسط فردینان دو سوسور<sup>۷</sup> و چارلز سندرز پیرس بنیانگذاری شد و با تحولات گسترده‌ای که در قرن اخیر در زمینه‌های نظری در این شاخه صورت گرفت، با دگرگونی‌های زیادی در زمینه‌ی روش شناسی مواجه شد. تا به جایی که امروزه از این علم برای تحلیل متون بصری نیز بهره گرفته می شود. به بیان امبرتو اکو<sup>۸</sup> «سمیولوژی<sup>۹</sup> یا نشانه شناسی به هر چیزی که می تواند به عنوان یک نشانه در نظر گرفته شود، می پردازد» (Chandler, 2017, 2). نشانه شناسی سعی دارد تا به دسته بندی‌های مختلفی، برای نشانه‌ها دست یابد و گونه‌های متفاوت نشانه‌ها را از نظر ویژگی و قوانین فراخور سازمان بندی و فرآیندهای خاص دلالت مشخص کند و راهگشای شناخت معنا یا معنای اثر باشد. (پهلوان، 1385، 14). این علم با بررسی نشانه‌ها در قالب کلیتی نظام مند در صدد کشف معانی پنهان و ضمنی آن هاست. سوسور و پیرس، هر دو نشانه‌ها را به عنوان عنصر مرکزی مطالعات خود می پنداشتند و به مدل‌های ساختاری نشانه‌ها علاقه داشتند که بر رابطه بین اجزای نشانه تمرکز داشت. از دیدگاه سوسور و پیرس، دقیقاً این رابطه‌ی بین اجزای نشانه است که انسان را قادر می سازد تا از نشانه‌ها، به هر شکلی که ظاهر می شوند، پیامی ممکن را درک و استخراج کند. (Crow, 2022, 16). در هر دو دیدگاه سوسور و پیرس، سه حوزه اصلی وجود دارد که درک ما از نشانه‌شناسی را تشکیل می دهند: خود نشانه‌ها، روشی که به وسیله آن‌ها نظام مند می شوند، و زمینه‌ای که آنها در آن ظاهر می شوند.

### نشانه شناسی پیرس

به منظور دستیابی به تحلیلی صحیح از متن تصویری مد نظر این پژوهش، دیدگاه پیرس، از بین نظریات مختلف که تا به امروز در زمینه‌ی نشانه شناسی ارائه شده اند، انتخاب شد. پیرس، نشانه<sup>۱۰</sup>‌ها را در سه دسته تعریف کرده است. 1) شمایل<sup>۱۱</sup>؛ یک عکس از یک شخص، می تواند به عنوان یک نشانه شمایی توصیف شود، زیرا در واقعیت به چیزی که نمایانگر آن است شبیه است. 2) نمایه<sup>۱۲</sup>؛ در نمایه‌ها رابطه مستقیمی بین نشانه و شیء وجود دارد. در این دسته، دود نشانه‌ای از آتش است. 3) نماد<sup>۱۳</sup>؛ در اینجا ارتباط منطقی بین نشانه و معنا وجود ندارد. این نشانه‌ها کاملاً بر حافظه‌ی خواننده از ارتباط بین نشانه و معنا متکی هستند. صلیب قرمز نمادی است که معنای کمک را در ذهن انسان‌ها تداعی می کند. (Crow, 2022, 33). پیرس، سه سطح برای نشانه‌ها شناسایی کرد که می توانند بر روی مدل سه وجهی او تطبیق داده شوند که شامل وجوه بازنمون<sup>۱۴</sup>، تفسیر<sup>۱۵</sup> و موضوع<sup>۱۶</sup> می شوند. به گفته‌ی

پیرس " نشانه چیزی است که از دید کسی، از جهتی یا ظرفیتی به جای چیز دیگری می نشیند. نشانه کسی را خطاب می کند، یعنی در ذهن آن شخص نشانه ای برابر یا شاید نشانه ای بسط یافته تر خلق می کند و نشانه ای که به این ترتیب آفریده می شود را تفسیر نشانه ی نخست می نامد. نشانه به جای چیزی می نشیند که اصطلاحاً موضوع آن نامیده می شود. نشانه نه از همه جهت، بلکه در ارجاع به نوعی ایده که پیرس گاهی زمینه ی نشانه (بازنمون) نامیده است، به جای موضوع می نشیند. (سجودی، 1395، 21). (تصویر 1). نشانه هر چیزی است که نمایانگر یا دال بر چیزی دیگر باشد. تفسیر معنایی است که از نشانه در ذهن مخاطب ایجاد می شود. این بخش از نظریه پیرس به چگونگی درک و تفسیر نشانه‌ها توسط مخاطب می‌پردازد. تفسیر بسته به فرهنگ، تجربه و دانش مخاطب، می تواند متغیر باشد. موضوع به چیزی اشاره دارد که نشانه به آن ارجاع می دهد. موضوع می تواند یک شیء فیزیکی، یک مفهوم انتزاعی یا یک واقعه باشد. در واقع نشانه صورتی است که بازنمون به خود می گیرد تا معنایی را حاصل کند و موضوعیتی را بیان دارد. به بیان کرو (2022, 36) از تمایزات نظریه ی پیرس می توان به این موضوع اشاره کرد که پیرس از اصطلاح "نشانه گذاری"<sup>۱۷</sup> برای توصیف انتقال معنا استفاده می کند که فرآیندی فعال و دوطرفه، بین نشانه و خواننده است. این فرآیند شامل مذاکره بوده و تحت تأثیر پیشینه، تحصیلات، فرهنگ و تجربیات خواننده قرار دارد. یک مثال بارز از این تفاوت‌ها، استفاده نمادین از رنگ در فرهنگ‌های مختلف است؛ به‌عنوان مثال، در فرهنگ غربی رنگ سیاه نماد مرگ و عزاداری است، در حالی که در چین سفید برای مراسم تدفین استفاده می‌شود.

4



تصویر 1، الگوی سه وجهی پیرس  
 ماخذ: نگارنده پژوهش با اقتباس از کتاب مقدمه ای بر نشانه شناسی پیرس، تونی جپی، 2013، صفحه: 6.

### نشانه شناسی لایه ای

نشانه‌شناسی لایه‌ای، به عنوان یک نظریه نشانه‌شناسی کاربردی، در بستر رابطه‌ی تعاملی و چندسویه، بین نظام‌های نشانه‌ای و لایه‌های متنی استفاده می‌شود. در این نظریه، ارتباط تنگاتنگ بین لایه‌های هم‌نشینی و رمزگان متعدد فرهنگی کشف می‌شود. اجزای متن در واقع لایه‌هایی هستند که با یکدیگر ارتباط معناداری دارند. این لایه‌ها دارای نظام درونی خود هستند و متن از ترکیب این لایه‌ها تشکیل شده است. به نقل از سجودی (99,1388) در یک متن چند لایه، لایه‌ها یکدیگر را به لنگر می کشند. این قاب



ها را می توان قاب گفتمانی نامید. بنابراین روابط بین لایه های متنی، منجمد نیست. در نشانه شناسی، لایه های متن، باز است. یعنی متن با اتکا به کلیه ی لایه های دخیل در قاب های گفتمانی و نظام های نشانه ای، معنا می یابد و از سوی دیگر، تسلیم معنای تثبیت شده، فاقد زمان و مکان و همبستگی ناشی از ساختار وابستگی، نیست و با تغییر قاب های گفتمانی و رفتن به شبکه های متفاوتی از لایه های دخیل، ممکن است فرو بریزد و وارد قلمروهای دلالتی متفاوتی شود. (جمالی و شیخی، 1397، 56). لایه های متنی می توانند بیش از یکی باشند و تأثیری در ایجاد نشانه ها و رمزگان ویژه در متن دارند. در نشانه شناسی لایه ای، بررسی همنشینی جهان تصویری، متن نوشتاری و بررسی نشانه های نمادین، نمایه ای و شمایی باعث خوانش نشانه شناسی لایه ای می شود. بهره گیری از نشانه شناسی لایه ای، به ویژه در تحلیل متون بصری، بسیار کارآمد است. زیرا لایه های متون بصری، به خصوص در آثار تصویرگری سمبولیک، اغلب دارای معانی چندگانه و پنهان هستند. با بررسی لایه های مختلف نشانه شناختی در یک تصویر، می توان به درک عمیق تری از ارتباط بین لایه ها، و در نتیجه معنای آن دست یافت.

#### بینامتنیت

وجود ویژگی های بصری و محتوایی در هر متن تصویری، می تواند منجر به جانمایی خوانش های مختلفی در ذهن و اندیشه ی مولف و مخاطب گردد. خوانش بینامتنی، با تمرکز بر دریافت مخاطب، رویکردی از نشانه شناسی است که توسط رولان بارت نظریه پرداز مطالعات فرهنگی مطرح شد. در این نظریه، به جای تاکید بر معنایی که در زمان خلق هر متن، مد نظر بوده و بررسی آن، به بررسی خوانش های مختلفی که در زمان مطالعه ی متن در اندیشه ی مخاطبین شکل می گیرد، پرداخته می شود. نظریه ی بینامتنیت بر این باور استوار است که هر متنی بر پایه ی متن های پیشین خود شکل می گیرد. هیچ متنی نیست که کاملاً مستقل تولید یا حتی دریافت گردد. بنابراین در تولید و دریافت یک متن همواره پیش متن ها نقش اساسی ایفاء می کنند. به بیان دیگر، بدون روابط بینامتنی هیچ متنی خلق نمی شود. (نامور مطلق، 1394، 10). بینامتنیت، هر آنچه که هنرمند در خلق اثر خود از تجربیات و مشاهدات خود و تفحص در آثار گذشتگان تاریخ هنر وام گرفته باشد را شامل می شود. حضور ردپایی از آثار دیگر در آثار یک هنرمند، نمودی از بینامتنیت است. اما همیشه این حضور در حد یک ردپا باقی می ماند. (چابک سوار، فرخ فر و حسینی، 1399، 64). با توجه به این امر، نزد نظریه پردازان بینامتنی، دو رویکرد اصلی در رابطه با منابع و مراجع متن ها وجود دارد: نخست گروهی که یک متن را متشکل از متن های دیگر می دانند و جست وجوی منابع آن ها را بی فایده تلقی می کنند؛ دوم آنهایی که مصمم هستند تا ردپا و عناصر متن های دیگر را در متن نوین بیابند. معتقدان به نظریه بینامتنیت بر این باورند که هر متن جدید حاصل یک شبکه ی متنی قبل از خود است و لذا برای رمزگشایی باید به سراغ این شبکه رفت.

خوانش نشانه شناختی لایه ای اثر تاج گذاری

با توجه به مباحث طرح شده، از دیدگاه پیرس، در متن تصویری منتخب، لایه ی اول نشانه ای، که لایه ی بازنمونی اثر است، به جنبه های بصری اثر، اشاره دارد. (جدول 1).



جدول 1: خوانش تجسمی و نمادین اثر تاج گذاری

ماخذ: نگارنده پژوهش

عناصر بصری	خوانش های ممکن	خوانش های ممکن نمادین
ترکیب بندی	مثلث، متعادل، متوازن، تا حدی ایستایی	بالاروندگی، تقدس، تثلیث، مرگ و زندگی، مقام و جایگاه
رنگ	کرم، قهوه ای، نارنجی و خاکستری های رنگی، رنگ های بی فام	زمینی بودن و از جنس خاک، خرابی، این دنیایی بودن، دنیای ویرانه
نور	سایه و روشن های منشا شده از منبع نورآتش	نور مقدس، سوزاندن، ویرانی، شاید به نوعی تحت الشعاع ویرانی قرار داشتن میمون و کبوتران
تضاد (کنتراست)	بیشتر دارای هارمونی رنگی میزانی از تضاد سرد و گرم رنگی	دو گانگی مرگ و زندگی، ناامیدی و امید، بالاروندگی و در عین حال سوختن و ویرانی
سطح (فضای تصویر)	دارای عمق و پرسپکتیو	نوعی نظام ارزشمندی، طبقه بندی رتبه و مقام، این دنیایی

6

در این اثر (تصویر 2)، اولین عنصر بصری قابل مشاهده، میمونی با شکم بزرگ در مرکزیت تصویر است که بر روی پلکانی نشسته و کتابی را در دست دارد که در حال سوختن توسط آتش مشاهده می شود. با توجه به حالت دست چپ میمون، چشم به سمت راست و پایین تصویر هدایت می شود، گویی او صفحات در حال سوختن این کتاب را به کبوترانی، می خوراند. ترکیب مثلثی که از نحوه ی قرار گیری کبوتران، در پایین تصویر ایجاد شده، نگاه را به سمت کبوتری مرده که در سمت چپ و پایین تصویر قرار دارد، هدایت می کند. (تصویر 3). در بالای سر میمون، دو کبوتر در حال حمل کردن کلاهی هستند که به سمت شعله های آتش در بالای تصویر در پروازند و سپس زمینه ای از ساختمان های ویرانه در پس زمینه به چشم می خورند. در نهایت دودی که از دیوار های در حال سوختن، چشم را به خارج از تصویر هدایت می کند. تمامی شاکله ی این ترکیب، متشکل از فرم، رنگ، نور، نشانه هایی تصویری یا بازنمون هایی است که از همنشینی و قرار گیری زنجیره وار، در کنار یکدیگر، در صدد انتقال معنایی هستند و این زنجیره ی معنایی را یکی پس از دیگری تکامل می بخشند. این در حالیست که مارتین ویت فوت، تمامی این نشانه ها را در بافتی تصویری، به شکلی هدفمند به کار برده که ارجاع دهنده به معانی نهفته تر هستند. (جدول 2 و 3).



# 4<sup>th</sup> International Conference on Management Studies, Culture & Art

JULY 21, 2024 | TEHRAN



ISC<sup>CM</sup>  
Index Science Citation Center

با امکان صدور گواهی نامه بین المللی



۳۱ تیر ۱۴۰۳  
محل برگزاری: تهران

چهارمین کنفرانس بین المللی مطالعات مدیریت، فرهنگ و هنر



7

تصویر 2، تاج گذاری، رنگ و روغن، مارتین ویت فوت، 2011

ماخذ: <https://arrestedmotion.com/2011/10/interviews-martin-wittfooth-%E2%80%93-the-passions-lyons-wier-gallery>



تصویر 3: استفاده از ترکیب مثلثی در اثر تاج گذاری

ماخذ: نگارنده پژوهش

جدول 2: خوانش شمایی و نمادین اثر تاج گذاری

ماخذ: نگارنده پژوهش

خوانش های ممکن نمادین	خوانش های ممکن	عناصر شمایی
جایگزینی برای انسان، عقل دروغین انسان ها، در شمایل نگاری مسیحی، انسانی که به خاطر پلیدی ها و به خصوص شهوت پرستی خلع درجه شده است. (شوالیه و گربران، 1387، 371). شکم بزرگ میمون می تواند تأکیدی بر شهوت پرستی و گرایشات مادی باشد و یا هنرمند به نوعی درصدد نمایش باردار بودن این شخص است.	یک میمون، با شکم بزرگ در حالی که بر روی پلکانی نشسته و کتابی در دست دارد.	میمون



کبوتر	- کبوتران در حال تغذیه کردن از کتابی در حال سوختن توسط آتش - کبوتر مرده	- عشق، جایگزینی برای فرشتگان کودک بالدار در مسیحیت - شهادت، شهادت در راه ایمان کورکورانه
کتاب	- کتاب در حال آتش - کتاب در داستان میمون - تغذیه شدن کبوتران با کتاب در حال آتش گرفتن	اشاعه ی مقدسات ناپاک، ترویج دانش دروغین مروج دانش دروغین تزریق و خوراندن ایمان کورکورانه
ساختمان های ویرانه	پلکان رو به بالا و به سمت آسمان	خرابی، ویرانی، آشفتگی دنیا - تخریب دنیا توسط بشر
پلکان	پلکان رو به بالا و به سمت آسمان	صعود به طرف دگرگونی و شناخت، شناخت جهان ظاهر
کلاه	- از جنس کاغذ روزنامه - شباهت شکل ظاهری با کلاه اسقف ها - حمل شدن توسط دو کبوتر به سمت آتش و دود	- تبلیغات مطبوعات و رسانه، تاج و تختی که توسط مطبوعات و رسانه تبلیغ و ترویج می شود. - جایگزینی برای تاج، تاج و تخت - تاج و تخت و تقدس دروغین که منجر به ویرانی است

9

جدول 3: عناصر نمایه ای و خوانش های ممکن نمادین

ماخذ: نگارنده پژوهش

عناصر نمایه ای	خوانش های ممکن	خوانش های ممکن نمادین
دود	-	ویرانی، خرابی جایگزینی برای ابرها در نقاشی های دوران باروک
آتش	-	جایگزینی برای نور مقدس نمادی از خرابی، سوختن، از بین رفتن

این نشانه ها جایگزینی هستند برای نشانه های دیگر و هنرمند در صدد خلق برداشتی در ذهن مخاطب بوده، که فراتر از شناخت تصویری اولیه است. تمامی عناصر نام برده با در نظر گرفتن ترکیب، رنگ و حال و هوای تصویری، به گونه ای ادراک می شوند که

متبادر کننده ی تفسیری در ذهن هستند. در لایه ی دوم نشانه ای، به نظر می رسد هنرمند، به شکلی هدفمند، شاید با بهره گیری از نظریه داروین، در تلاش برای تجسم انسان یا شخصی خاص، در قالب حیوانی بوده است. به واسطه ی نوع نگاه و کلاه اسقفی در بالای سر او، جایگزین مناسبی برای یک شخصیت مقدس، شاید یک اسقف است. دو کبوتر حامل کلاه اسقفی، اشخاصی هستند که بر این تقدس ارج می نهند و به نوعی ارتباطی با میمون دارند و به دلیل استفاده از شمایل چو کبوتر، که در هنر مسیحی، جایگزینی برای فرشته های کودک بالدار است، خود نیز از جنبه ای مقدس برخوردارند. جنس کلاه از جنس روزنامه است و با توجه به کتابی که در دست میمون قرار دارد، به نظر می رسد این کبوتران در صدد ترویج تفکر و روش فکری این شخص مقدس هستند. با توجه به گفته های مارتین ویت فوت، در یکی از مصاحبه های صورت گرفته، آتش در این متن تصویری، جایگزینی به جای نور مقدس است. به نظر می رسد کبوترانی که در قسمت پایین تصویر، در حال تغذیه از کاغذ های در حال آتش گرفتن این کتاب مقدس هستند، اشخاصی هستند که در حال دریافت و تغذیه کردن از ایمانی کورکورانه، به دست این شخص هستند. کبوتری که در سمت چپ و پایین تصویر مرده است، تداعی گر شهادت در راه ایمانی کور است. با توجه به جهان بینی مارتین ویت فوت و تحلیل نشانه شناختی لایه ای نگارنده ی این پژوهش، در لایه ی تفسیری، این معنا دریافت می گردد که بشر به عنوان مهره های اصلی، در این دنیا، همواره حضوری پررنگ دارد، که مارتین ویت فوت این حضور را در قالبی حیوانی به نمایش در آورده است. هنرمند، علاوه بر ارجاع به نظریه ی تکامل داروین، به نوعی در صدد بیان جهل انسانی نیز بوده است. انسان، با بهره گیری و سودجویی از عواملی چون ایمان و دگمای مذهبی که اشاره ی این هنرمند بر مذهب مسیحیت می باشد، منجر به تخریب و ویرانی در این دنیا گشته است. وی ایمان را به دو دسته تقسیم می کند، ایمان واقعی و ایمان کورکورانه و نقد او به نوع دوم از ایمان می باشد. همچنین، نقدی به رسانه های تبلیغاتی که منجر به اشاعه ی چنین ایمانی هستند نیز دارد که می توان به دستگاه های کلیسایی و روش های تبلیغاتی وابسته به آن ها اشاره داشت که در لایه های بالاتر، زیر دستان نظام های سیاسی و اقتصادی حکومتی و سرپوشی بر بسیاری از فساد های نشات گرفته به دست مذاهب کور هستند. مارتین ویت فوت سعی دارد تا با نگاهی سمبولیک، انسان ها را به تاملی ژرف به دنیای خویش وا دارد و آن ها را به سمت آگاهی سوق دهد.

10



تصویر 4: تاج گذاری باکره، رنگ روغن، ولاسکوئز، سال 1635-1636



ماخذ: <https://www.museodelprado.es/en/the-collection/art-work/the-coronation-of-the-virgin/5f39f2cc-0197-4522-aecf-1d8e3b2e4ae7>

در لایه ی نشانه ای سوم، با ارجاعات بازنمون ها، به شرح موضوع پرداخته می شود. میمون در مرکز تصویر، با شکم بزرگ و وجود شباهت در حالت قرارگیری سر، چهره و نگاه، همچنین نحوه ی نشستن و قرارگیری اعضای بدن، به مریم مقدس، در اثر مراسم تاج گذاری باکره، از ولاسکوئر ارجاع دارد. (تصویر 4). کتابی که در دست میمون قرار دارد، با توجه به زمینه و بافتار فرهنگی و مذهبی ای که مارتین ویت فوت، به عنوان خالق اثر، به آن تعلق دارد، و همچنین با ارجاع به اثر ولاسکوئر، می توان چنین ادعان داشت که به کتاب مسیحیان، انجیل اشاره دارد. به نظر می رسد هنرمند، در وجه دلالت ضمنی، با لحن و بیانی کنایی در صدد انتقاد از ایمان کورکورانه نسبت به دین مسیحیت می باشد. آتش بر خاسته از کتاب، نمادی از نور مقدس است و به خرابی، ویرانگری و سوزاننده بودن این نور اشاره دارد که در وجه معنایی ضمنی، شیوه ی بیانی، کنایه وار است. میمون در حال تغذیه کردن به کبوترانی است که بر مبنای اثری که منبع اقتباس مارتین ویت فوت بوده، به فرشتگان کودک بالدار<sup>18</sup> در هنر مسیحیت ارجاع دارد. پس می توان در بعد دلالت صریح چنین تعبیر کرد که مریم باکره در حال تغذیه کردن معنوی این کبوتران است. این در حالی است که دلالت ضمنی آن، به خوراکی از جنس آتش و ویرانی اشاره دارد که شاید هنرمند در صدد بیان مفهوم تغذیه رسانی نور معنوی دروغین، به انسان های بی گناه بوده. هم نشینی واژگان تصویری بعد، که در زنجیره ی این متن بصری قرار داده شده اند، یعنی کبوتر مرده در سمت چپ و پایین تصویر، منجر به پرده برداری از شک و تردید هایی می شود که در باب ترجمه ی تصویری عناصر تصویری کبوتر وجود دارد و مفهوم شهادت و یا مرگ یکی از این انسان های بی گناه تعبیر می گردد که تسلیم ایمانی کور گشته است. در قسمت فوقانی سر میمون، دو کبوتر حامل کلاهی از جنس کاغذ روزنامه هستند، که هنرمند با شیوه ی بیانی مجازی، یعنی جایگزینی جنس به جای شی، در صدد القای مفهوم استفاده از رسانه ها در صدد ترویج این روش فکری می باشد. این کلاه به تاجی ارجاع دارد که در اثر تاج گذاری مریم باکره، در بالای سر او نگه داشته شده است. در هنر مسیحیت، که بر اصل تثلیث یا سه گانه باوری<sup>19</sup> بنا نهاده شده است که با مقایسه ی جانیشینی مکانی نشانه ها، در این دو متن تصویری، این دو کبوتر بیانگر خدای پسر و خدای پدر می باشند. در حالی که کبوتر سوم، که نمادی از روح خداوند است در این تصویر حذف شده است. پس به نظر می رسد که انتقاد این هنرمند مشخصا بر دین مسیحیت و بر تثلیث وارد است. این موضوع قابل توجه است که اعداد سه گانه و ترکیب های مثلثی چندین بار در این اثر تصویری به کار گرفته شده است که بر تاکید آن بر این سه گانگی می افزاید. با در نظر داشتن نظام های نشانه ای، به نظر می رسد هنرمند در صدد بیان این موضوع است که ایمان کورکورانه از عوامل مهمی است که در جهان انسانی امروز، به دست خود بشر و عاملان شکل گیری و ترویج آن، دست به دست می گردد و دنیای ما را به سمت ویرانی هدایت می کند. این تصویر بازتابی از ما انسان هاست.

### نتیجه گیری

به منظور دستیابی به هدف اصلی این پژوهش که تحلیل نشانه شناسانه ی یک اثر تصویرگری به نام تاج گذاری است، از نظریه ی نشانه شناسی پیرس بهره گرفته شد. در جهت دریافت دلالت های معنایی و رمزگونه ی این اثر نمادین، به بررسی عناصر بصری به کار رفته در آن پرداخته شد و روابط هم نشینی این عناصر مورد مطالعه قرار گرفت که منجر به ابهام زدایی دلالت های معنایی نهان



این اثر گردید. در این اثر، ترکیب بندی دقیق و استفاده هنرمندانه از رنگ‌ها، فضایی حاکی از تضاد و تناقض‌های موجود در دنیای امروز را به نمایش می‌گذارد. رنگ‌های بی‌فام و خاکی، که در آثار ویت فوت غالب است، به خوبی توانسته است احساسات ناخوشایند و ویرانی‌های ناشی از تأثیرات مخرب انسانی را منتقل کند. ویت فوت، با بهره‌گیری از شمایل‌های حیوانی، به عنوان جایگزینی برای انسان، در صدد بیان جهل انسانی در دنیای امروزی بوده است و به انتقاد از تفکر و روش‌های فکری خاصی پرداخته است. این هنرمند با ترکیب‌هایی از شخصیت‌های حیوانی و نمادهای دین مسیحیت، پیامدهای تخریب‌گر و ویران‌کننده‌ی انتخاب‌های بشر را، به تصویر کشیده است. از دیگر نکات برجسته این اثر، نقد نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی و ترویج ایمان کورکورانه است. با توجه به اقتباس این اثر، از پرده‌ی نقاشی و لاسکوئز به نام تاج‌گذاری باکره و ارجاعات عناصر به کار رفته در این اثر، به شخصیت‌های شمایی پرده‌ی و لاسکوئز، همچنین به سبب بهره‌گیری از سبک و سیاق آثار دوران کلاسیک، به ارتباطات بینامتنی این تصویر، با آثار گذشته پرداخته شد.

- <sup>1</sup> Martin Wittfooth
- <sup>2</sup> Charles Sanders Peirce
- <sup>3</sup> The Coronation
- <sup>4</sup> Intertextuality
- <sup>5</sup> Rolan Bart
- <sup>6</sup> James J.Gibson
- <sup>7</sup> Ferdinand de Saussure
- <sup>8</sup> Umberto Eco
- <sup>9</sup> Semiology
- <sup>10</sup> Sign
- <sup>11</sup> Icon
- <sup>12</sup> index
- <sup>13</sup> Symbol
- <sup>14</sup> Representamen
- <sup>15</sup> Interpretant
- <sup>16</sup> Object
- <sup>17</sup> semiosis

<sup>18</sup> پوتی‌ها پیکرهایی هستند که اغلب به صورت نوزادان چاق، بالدار یا کودکان به تصویر کشیده می‌شوند. آنها نمادی رایج از بی‌گناهی و شادی کودکان هستند و اغلب در هنر مذهبی به عنوان پیام‌آوران خدا یا به عنوان نماد عشق الهی ظاهر می‌شوند. در دوره رنسانس و باروک، پوتی اغلب به عنوان عناصر تزئینی در نقاشی‌ها و مجسمه‌ها، به ویژه در هنر مذهبی استفاده می‌شد. آنها اغلب برای نماد معصومیت و پاکی مریم باکره استفاده می‌شدند و همچنین برای نشان دادن روح مردگان در هنر مسیحی استفاده می‌شدند.

<sup>19</sup> بر مبنای تثلیث، خدای یگانه در سه شخص خدای پدر، خدای پسر (عیسی مسیح) و خدای روح القدس تجلی و تجسم یافت. این سه، ذات یکسانی داشته ولی از هم متمایز می‌باشند.



## منابع

- پهلوان، فهیمه. (1385). درآمدی بر عناصر تصویری در آرم: بررسی عناصر تصویری در آرم های دولتی با رویکردی به روش های نشانه شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- سجودی، فرزانه. (1395). نشانه شناسی کاربردی. تهران: نشر علم.
- ضمیران، محمد. (1382). درآمدی بر نشانه شناسی هنر. تهران: نشر قاصد.
- چابک سوار، منصوره و فرخ فر، فرزانه و حسینی، سید هاشم. (1399). تحلیل نشانه شناختی نقاشی های واحد خاکدان بر اساس آرای پساساختارگرایان رولان بارت. پژوهشنامه گرافیک نقاشی. بهار و تابستان 1399، (4)، 57-73.
- نامور مطلق، بهمن. (1386). تاملی بر نظری بینامتنیت رولان بارت: امپراطوری نشانه ها. تاریخ مراجعه 1402/11/23. قابل دسترس در: <https://www.magiran.com/article/1499502>.
- جمالی، عاطفه و شیخی، طاهره. (1397). نشانه شناسی لایه ای تصویر روی جلد رمان های نوجوان (مجموعه ی رمان نوجوان امروز). مطالعات ادبیات کودک. 17(1)، 49-72.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن. (1387). فرهنگ نمادها. (ترجمه سودابه فضایی). تهران: انتشارات جیحون.
- چندلر، دنیل. (1394). مبانی نشانه شناسی (ترجمه مهدی پارسا). تهران: انتشارات سوره مهر.

## References

- Chandler, D. (2017). Semiotics the basics. (3<sup>rd</sup> ed). London & New York: Routledge.
- Crow, D. (2022). Visible Signs. (4<sup>th</sup> ed) . London & New York & Dublin: Bloomsbury.
- Jappy, T. (2013). Introduction to Peircean Visual Semiotics. London & New York: Bloomsbury.

## Abstract

**Problem Statement:** Given the increasing use of images in today's world, encountering a plethora of images across various fields aimed at conveying specific messages is inevitable. Moreover, enhancing visual literacy among audiences has always been a concern for many specialists in visual arts. Semiotics, which is applied in various domains including visual arts, examines visual signs and understanding this science facilitates the comprehension of the meanings of these visual works. "Coronation" is a symbolic work created by Martin Wittfooth, and to uncover its hidden meanings, layered semiotic knowledge is required. This research employs a Peircean approach to analyze its layered semiotics.

**Research Objective:** The primary objective of this research is to conduct a semiotic analysis of the work "Coronation." Secondary objectives include examining the various semiotic layers of the work, explaining the signs, and discussing aspects of intertextual reading.

14 **Research Method:** This research is applied in terms of its goal and descriptive-analytical in terms of its method. The information was gathered through interviews with the creator of the work as well as from library and electronic resources.

**Conclusion:** The analysis of "Coronation" using a layered semiotic approach reveals that this work reflects human society, which, influenced by blind faith and the destructive impacts of media, is led towards destruction. The artist provides a deep insight to the audience, inviting them to profound contemplation about the world and the role of humans in it.

**Keywords:** Illustration, Layered Semiotics, Sign, Intertextuality.